

ترجمه کامل اعلامیه میدضیاء با بیک سیاسی ارسال می‌گردد.<sup>۱</sup>

نورمن

سند شماره ۳۲۶۵ (-۵۶۸۷ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ بیست و هشتم فوریه لرد کوزن به مستر نورمن

آلای وزیر مختار

عطف به تلگراف شماره ۱۲۵ مورخ ۲۵ فوریه شما<sup>۱</sup>

اوضاع تهران با چنان سرعتی در دگرگونی است، و جای عوامل ثبات آن چنان خالی، که ما هنوز نمی‌توانیم درباره وضع آتی کشور فضاوت کنیم و بگوئیم که آیا حکومت فعلی پایدار خواهد ماند یا اینکه به سرنوشت اسلافش دچار خواهد شد. لذا ترجیح می‌دهم که عاجلاً ناظر اوضاع ایران از دور باشم و بر مبنای اصلی که سابقاً در تلگراف شماره ۸۱ مورخ شانزدهم فوریه من به شما ابلاغ شده است عمل کنم.<sup>۲</sup>

ولی به هر حال این فکری که به سر حکومت جدید ایران زده که می‌شود قرارداد ۱۹۱۹ را به طور یکجانبی الغاء کرد و سپس از مزایائی که همان قرارداد برای ایران تعیین کرده بود بهره‌مند شد، فکری است غلط که دولت بریتانیای کبیر نمی‌تواند به عملی شدنش کمک کند.

اعلام رسمی الغاء قرارداد به عقیده من هیچ لزومی ندارد چون لایحه مربوط به آن هرگز تسلیم مجلس شورای ملی ایران نشده که تصویب یا ردّ گردد. و چون در این ضمن ضرب‌الاجل اختیار آن (سی و یکم دسامبر ۱۹۲۰) به علت تسامح دولت ایران سپری شده است اعمال و اقدامات اخیر حکومت جدید که پشت سر هم اعلام می‌دارد زمامداران جدید ایران هیچ‌گونه نظر خصومت آمیز نسبت به دولت انگلستان ندارند قادر به پوشاندن این حقیقت نیست که الغاء قرارداد نفساً عملی خصمانه بوده است.

راجع به آن مطلبی هم که باز در تلگراف اخیرتان مطرح شده بود دایر بر اینکه خروج

۱- این ترجمه همراه با گزارش شماره ۳۱ (مورخ اول مارس) مستر نورمن که اصلش در مجموعه اسناد چاپ شده در بیست و هشتم آوریل ۱۹۲۱ به وزارت خارجه انگلستان در لندن رسید. ویوستار انگلیسی اسناد

۲- بنگرید به سند شماره ۶۸۳.

۳- بنگرید به سند شماره ۶۷۸.

قوای بریتانیا از ایران عجالتاً به تأخیر انداخته شود، متأسفم بگویم که ترتیب اثر دادن به این درخواست به هیچ وجه ممکن نیست. متن این تلگراف به هندوستان هم مخایره شد.

کوزن

### سند شماره ۲۲۲ (-۵۶۸۸ مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ سوم مارس ۱۹۲۱ م ستر نورمن به لرد کوزن

جناب لرد

عطف به تلگراف شماره ۹۴ عالیجناب<sup>۱</sup>

البته خیلی زود است که بشود ثبات حکومت جدید را که با کودتا روی کار آمده است تضمین کرد. اما تأکید بر این نکته هیچ اشکالی ندارد که میزان موفقیت عاملان کودتا بستگی به این موضوع دارد که دولت انگلستان تشویقشان کند و کمکهای لازم در اختیارشان بگذارد. شرط دیگر کامیابی آنها رضایت دادن انگلستان به الغاء قرارداد ۱۹۱۹ است چون حتی رجلی مثل نصرت الدوله که خود از امضاء کنندگان همان قرار داد بوده اکنون پس از بررسی اوضاع و تماس نزدیک با افکار عمومی آشکارا تشخیص می دهد که هیچ کایه ای در ایران پایدار نخواهد ماند، و روابط ایران و انگلیس هرگز به حال طبیعی باز نخواهد گشت، مگر اینکه این قرارداد، لااقل به صورت ظاهراً، از بین برود و ملغی گردد. (بنگرید به تلگراف شماره ۱۰۷ من)<sup>۲</sup>

اما با آن نظریکه در تلگرافتان اظهار فرموده اید که حکومت جدید از یک طرف قرارداد را لغو می کند و از طرف دیگر امیدوار است از تمام مزایای ناشی از همان قرارداد بهره مند گردد، با این نظر، گرچه جسارت است، مخالفم چون یکی از مهمترین مزایای قرارداد سابق اعطای دو میلیون لیره (= شش میلیون تومان) کمک مالی به ایران بود که حکومت فعلی حاضر شده است از آن چشم پوشد. درست است که آن امتیاز دیگر (ناشی از همین قرارداد) که تعرفه گمرکی را در بنادر جنوب افزایش می دهد کماکان به جای خود باقی است و قانوناً می شود حکومت جدید را از آن محروم کرد، ولی در اینجا سؤال پیش می آید:

۱- بنگرید به سند شماره ۶۸۷ (سند قبلی).

۲- اشاره به تلگراف مورخ شانزدهم فوریه ستر نورمن به لرد کوزن که اصل آن در مجموعه اسناد نیامده. مع الوصف بنگرید به زیر نویس شماره ۳ در سند شماره ۶۷۶.

آیا حقیقتاً به صلاح تجار انگلیسی است که این مقررات جدید که مدتی است رویش عمل می‌شود ابطال گردد؟ زیرا مقررات گمرکی جدید که بموجب آن نرخ عوارض گمرکات بالا رفت به ابتکار خود انگلستان وضع شد تا مانع از رقابت تجاری سایر دولتها گردد. از آن گذشته، چون عایدات گمرکی بنادر جنوب برای باز پرداخت وامهائی که ایران در گذشته از انگلستان گرفته تخصیص داده شده است، بالا رفتن تعرفه گمرکی در بنادر جنوب کشور باعث می‌شود که این وامها هر چه زودتر استهلاک گردد.

از طرف دیگر، با اینکه قرارداد به ظاهر الفا شده اصلاحاتی که حکومت فعلی در نظر دارد اجرا کند، که بخشی از آن اصلاحات هم اکنون وارد مرحله عمل شده، همان مزایائی را که از قرارداد انتظار می‌رفت نصیب انگلستان می‌کند بی آنکه احتیاج به صرف دیناری مخارج باشد. من باب مثال، به مستشار مالی (مستر آرمیتاژ اسمیت) قول داده شده که تمام آن اختیاراتی که برای اصلاح وضع مالی کشور خواسته بود در دسترسش قرار خواهد گرفت. یک عضو عالی‌رتبه انگلیسی هم‌اکنون در وزارت دارائی مشغول کار است. <sup>۱</sup> یک انگلیسی دیگر مأمور خدمت در وزارت فواید عامه و اصلاح تقایص آن وزارتخانه شده است. عده‌ای دیگر از مستشاران انگلیسی عتقرب در این دو وزارتخانه مشغول کار خواهند شد.

نخست وزیر (سیدضیاء) جداً تصمیم دارد از افسران انگلیسی برای توسازی ارتش ایران استفاده کند و در آغاز این برنامه از عده معدودی از افسران ما که هم‌اکنون در تهران هستند استفاده خواهد شد. پس از تحصیل مزایائی که برشمردم کوچکترین شکی وجود ندارد که دامنه این برنامه (استفاده از تجربیات مستشاران انگلیسی) به وزارتخانه‌های دیگر نیز کشیده خواهد شد. گرچه حضور مستشاران انگلیسی در تمام وزارتخانه‌های ایران چندان ضرورت ندارد ولی به هر حال بد نیست که در هر کدام از این وزارتخانه‌ها یک مستشار انگلیسی حضور داشته باشد.

نخست وزیر جدید ایران (سیدضیاء‌الدین) اولین کسی است که جداً وارد میدان عمل شده و تصمیم دارد اصلاحات لازم را، ولو به زور، انجام دهد به این ترتیب وضعی ایجاد کند که ایران بی‌اتکاء به کمک بیگانگان بتواند سرپایش بایستد. مشارالیه (سیدضیاء) امیدوار است که این موضوع که وی قدرت را با وسایل غیر عادی (کودتا) بدست آورده است باعث نشود که دولت انگلستان از اعطای کمکهای لازم به حکومت وی دریغ ورزد. حقیقت این است که وضع ایران در این اواخر به جایی رسیده بود که در آوردن قدرت از چنگ عده‌ای محدود از

رجال فاسد و بی‌عرضه جز با اعمال زور امکان نداشت. با این گروه معدود از سیاستگران سستی که حکومت ایران را تا کنون مختص به خود کرده بودند و کشور را تقریباً به آستان فنا سوق دادند هیچ معامله‌ای نمی‌شد کرد جز همان معامله‌ای که نخست وزیر فعلی کرد به این معنی که سران آنها را به زندان انداخت یا تبعید کرد که دیگر نتوانند از تسهیلاتی که حضورشان در صحنه سیاستهای تهران ایجاد می‌کرد استفاده کنند؛ مقامات سابق خود را دوباره بدست آورند، و اعمال زیان‌بخش خود را ادامه دهند.

حتی برخی از اعضای همین گروه فاسد که تا دیروز هیئت حاکمه ایران را تشکیل می‌دادند از حادثه کودتای بیست و یکم فوریه (۲۰ سوم اسفند ۱۳۹۹) خوشحالند و مهمترین نتیجه آن را که روی کار آمدن یک حکومت فعال و انقلابی است به چشم آخرین امید کشورشان برای نجات از خطر بالشویزم می‌نگرند.

جامعه انگلیسبان مقیم تهران وضع جدید کشور را (بعد از وقوع کودتا) با حد اعلای رضایت و خوشوقتی تلقی می‌کنند و عقیده دارند که تثبیت شدن رژیم کنونی از هر حیث به نفع آنهاست. به همین دلیل از عالیجناب تقاضا دارم نگذارید آن غبار کدورتی که به مناسبت الغاء قرارداد ۱۹۱۹ بر قلبشان نشسته باعث شود که فرصت کنونی را از دست بدهید و از اعطای کمکهای لازم به حکومت ایران که ایتمه مورد نیازشان هست دریغ ورزید. در این اواخر کار به جایی رسیده بود که حفظ آن قرارداد دیگر امکان نداشت و نه تنها اوضاع داخلی کشور، بلکه مصالح عالی انگلستان در ایران، ایجاب می‌کرد که هیئت حاکمه قدیم برکنار گردد و هر حکومتی که روی کار می‌آمد ناچار بود الغاء قرارداد را دیر یا زود اعلام دارد.

مهمترین خواسته حکومت ایران از ما، که مضایقه از اعطای آن ممکن است به زوال رژیم کنونی بینجامد، تعدادی افسر انگلیسی برای نوسازی ارتش جدید ایران است. عصاره تقاضای آنها این است که در حدود بیست تن از افسران انگلیسی، آشنا به اوضاع محلی، که در حال حاضر در ایران هستند (منظورشان افسران وابسته به نیروی اسپار است) بیدرتنگ به استخدام دولت ایران در آیند و من با کمال تاکید از عالیجناب استدعا دارم نفوذ خود را بکار برید که وزارت جنگ بریتانیا به تقاضای حکومت جدید ایران در این باره ترتیب اثر بدهد. عقیده عمومی در تهران (که خودم از طرفدارانش هستم) بر این است که کشور ایران اکنون آخرین فرصت خود را برای شروع اصلاحات به چنگ آورده و اگر این فرصت از دست برود هیچ عایقی نخواهد توانست جلوگشش سیل بالشویزم را بگیرد.

به همت دگرگون شدن اوضاع از تاریخی که در تلگراف شماره ۸۱ عالیجناب به تهران

رسیده<sup>۱</sup> دادن پاسخ مفصل به آن دیگر زاید به نظر می‌رسد.  
عین این تلگراف به هندوستان مخابره شد و رونوشتی هم برای فرمانده کل قوای  
بریتانیا در عراق (بغداد) ارسال گردید.

با احترامات: نورمن

سند شماره ۴۲۸ (= ۶۸۹ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ سوم مارس لرد کرزن به مستر نورمن

بسیار مهم و فوری

آقای وزیر مختار

عطف به تلگراف شماره ۱۳۲ مورخ بیست و هشتم فوریه شما<sup>۲</sup>  
تصور می‌کنم از فحوی تلگراف شماره ۹۴ مورخ بیست و هشتم فوریه من فهمیده  
باشید که نظرم نسبت به الغاء قرارداد چیت.<sup>۳</sup> حال اگر حکومت جدید ایران کماکان روی  
عقیده‌اش پافشاری می‌کند که قرارداد باید الغاء گردد، در آن صورت این موضوع را با کمال  
صراحت به آنها تفهیم کنید که با از بین رفتن قرارداد مسئله اعطای وام به ایران هم که بخشی از  
همان قرارداد است از بین خواهد رفت و دولت ایران باید قسط اول این وام را که بلافاصله پس  
از امضای قرارداد به امضا کنندگان سه گانه پرداخت شده است، توأم با بهره‌اش، به خزانه داری  
بریتانیا برگرداند.<sup>۴</sup>

در این باره دولت انگلستان رسیدی از وزیر دارائی وقت (صارم الدوله) در دست  
دارد که در همان تاریخ به وزیر مختار ما در تهران (سرپرستی کاکس) داده شده است. نیز  
قیمت مهمات و سلاحهایی که دولت انگلستان به تقاضای وثوق الدوله در اختیار دولت ایران

۱- بنگرید به سند شماره ۶۷۸.

۲- بنگرید به سند شماره ۶۸۹.

۳- بنگرید به سند شماره ۶۸۷.

۴- اشاره به آن مبلغ یکصدوسی یک هزار لیره و خورده‌ای (= چهارصد هزار تومان) که بین  
وثوق الدوله و دو تن از وزاری کابینتاش (نصرت الدوله و صارم الدوله) تقسیم شده بود برای جزئیات به‌دی  
این واقعه و داستان پس گرفته شدن وجوه توزیع شده بنگرید به ضمیمه شماره ۵ در جلد اول این اسناد،  
صص ۳۲۷ - ۳۲۵.

قرار داده بود تا دینار آخر باید مسترد گردد.

اگر حکومت فعلی (کابینه سیدضیاء) این حق را برای خود قایل است که قرارداد ۱۹۱۹ را به طور یکجانبی لغو نماید دولت انگلستان هم حقی مشابه برای خود قایل است که قرارداد مربوط به افزایش نرخ گمرکات جنوب کشور را لغو و کمافی السابق بر مبنای قرارداد قبلی (قرارداد ۱۹۰۳) عمل نماید. متن این تلگراف به هندوستان هم مخابره شد.

کوزن

سند شماره ۳۲۹ (= ۵۶۹۰ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ سوم مارس ۱۹۲۱ متون فورمن به لرد کوزن

جناب لرد

نخست وزیر (سید ضیاء) به من اطلاع داد که سلطان احمد شاه قاجار تلگرافی به اعلی حضرت جرج پنجم مخابره و از ایشان تقاضا کرده است قوای نظامی بریتانیا مستقر در شمال ایران (که قرار است از اول آوریل تخلیه خاک ایران را آغاز کنند) تا سپتامبر همین سال در ایران بمانند.<sup>۱</sup>

اعلی حضرت خیلی تأکید دارند که این موضوع محرمانه بماند و بگوش عامه مردم نرسد زیرا اگر شورویها اطلاع حاصل کنند که چنین درخواستی از انگلستان شده، ممکن است عکس العملی نامطلوب نشان دهند.

با احترامات: فورمن

سند شماره ۳۳۰ (= ۵۶۹۱ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

متن تلگراف مورخ ششم مارس پادشاه ایران سلطان احمد شاه قاجار به اعلی حضرت جرج پنجم

امپراطور بریتانیا

(اصل تلگراف به زبان فرانسه است)

اعلی حضرت

نظریه اوضاع کنونی کشورم که خودتان کاملاً در جریانش هستید و با توجه به روابط نزدیک و صمیمانه که میان دو کشور وجود دارد، از آن اعلی حضرت تمنا دارم اظهار لطف فرموده و دستور صادر فرمائید که خروج نیروهای دلیر بریتانیا از قزوین و سایر نقاط ایران تا ماه پانزدهم امسال به تعویق بیفتد تا حکومت جدید من بتواند با فرصت کافی ارتش نوین ایران را که فرار است جانشین نیروهای مزبور گردد تشکیل دهد.

با استفاده از این فرصتی که بدست آمده احساسات و آرزوهای قلبی خود را برای سعادت و سلامت آن اعلی حضرت و خوشبختی و رفاه اتباعان در سرتاسر امپراطوری بریتانیا تقدیم می‌دارم.<sup>۱</sup>

### سند شماره ۳۳۱ (= ۶۹۲ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ هشتم مارس لرد کرزن به مستر نورمن

خیلی مهم و فوری

آقای وزیر مختار

عطف به تلگراف شماره ۱۴۲ مورخ پنجم مارس شما<sup>۲</sup>

رفتن شاه به خارجه موضوعی است که باید خود معظم له و مشاورانش درباره‌اش تصمیم بگیرند. ولی به هر حال اشکالات مادی را که در این باره وجود دارد نمی‌توان ندیده گرفت. اول اینکه حکومت انگلستان حاضر نیست کشتی برای مسافرت ایشان به اروپا تأمین کند. ثانیاً اکنون که ترتیبات لازم برای خروج قوای نظامی بریتانیا از ایران (از اول آوریل) به

۱- لرد استمفردهام (رئیس دفتر مخصوص اعلی حضرت جرج پنجم) رونوشت این تلگراف را که مستقیماً به دربار بریتانیا مخابره شده بود در تاریخ هشتم مارس به وزارت خارجه انگلستان ارسال و درخواست کرد پاسخ آن را تهیه و در اختیار دفتر مخصوص قرار دهند که بنام اعلی حضرت جرج پنجم (در پاسخ تلگراف احمد شاه) به تهران مخابره شود. برای متن جواب امپراطور بریتانیا بنگرید به سند شماره ۶۹۳ در همین جلد.

۲- در این تلگراف که متن آن چاپ نشده، مستر نورمن به لرد کرزن گزارش داده بود:

«... به طوری که از سیدضیاء شنیده‌ام شاه در تاریخ چهارم مارس ۱۹۲۱ از مشارالیه خواسته است با عزیمت ملوکانه به خارجه برای معالجه و استراحت موافقت نماید و او (سیدضیاء) جواب داده که شخصاً مخالفتی با این موضوع ندارد به شرطی که دولت انگلستان اجازه بدهد.»

اعلی حضرت سپس شخصاً از مستر نورمن خواسته بود که همین تقاضا را با نظر موافق به لندن احاله کند.

طور قطع داده شده، دیگر نمی‌شود اجازه داد برنامه مسافرت ملوکانه اخلالی در برنامه اصلی که لازمه‌اش آزاد بودن جاده همدان و کرمانشاه است ایجاد کند.

اگر این دو محذور رفع شود ما مخالفتی با خارج شدن ایشان از مملکت نداریم به شرطی که ترتیبات لازم داده شود که در غیاب ایشان مسائل عمومی مملکت بی‌آنکه نیازی به حضورشان باشد حل و فصل گردد. البته خودمان مایل نیستیم ایشان را به انگلستان دعوت کنیم چون می‌دانیم که تمام این دلایل (مراجعه به پزشکان خارجی و استراحت در خارجه) بهانه‌هایی بیش نیستند و اصل مطلب همان ترس از ماندن در ایران و احتمالاً سوختن در آتش انقلابی است که فکر می‌کنند عتق‌رب در کشورشان شعله‌ور خواهد شد.

شخصاً بر این عقیده‌ام که اگر اعلی حضرت ایران را ترک کنند دیگر به این زودیها، و شاید هیچوقت، حاضر به بازگشت به کشورشان نباشند. متن این تلگراف به هندوستان هم مخیره شد.

کوزن

### سند شماره ۳۳۲ (= ۶۹۳ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ دهم مارس اعلی حضرت جورج پنجم امپراطور بریتانیا به اعلی حضرت سلطان احمد شاه قاجار در جواب تلگراف مورخ ششم مارس ایشان

اعلی حضرتنا

می‌خواهم بدون فوت وقت خاطر آن اعلی حضرت را مطمئن سازم که وزرای من درخواست ملوکانه را دایر به تمدید اقامت سربازانم در ایران - سربازانی که تا همین اواخر توانسته‌اند ایران را در مقابل تهدیدات خارجی کمک کنند - با کمال دقت و همدردی مورد بررسی قرار داده‌اند.

از لطف و اعتمادی که اعلی حضرت در تلگراف خود نسبت به آنان ابراز می‌فرمائید کمال تشکر را دارم ولی متأسفانه باید به صراحت بگویم که الزامات امپراطوری من به هیچوجه اجازه نمی‌دهد که این عده بیش از پایان ماه جاری (۳۱ مارس ۱۹۲۱) در ایران بمانند.

از احساسات ملوکانه و آرزوی موفقیت و سلامتی که برای شخص من ابراز فرموده‌اید کمال امتنان را دارم.



مجموعه اسناد

## سند شماره ۲۲۳ (۶۹۴ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ دهم مارس ۱۹۱۴ در مورد کوزن

جناب لرد

عطف به تلگراف شماره ۱۲۵ من<sup>۱</sup>

حکومت جدید ایران (کابینه سید ضیاء) در نظر دارد بیدرننگی است. تن افسر مرتبی از یکی از کشورهای اروپائی برای نوسازی ارتش ایران استخدام کند و ترجیح می‌دهد که این عده در صورت امکان از بریتانیای کبیر باشند. نیز در حدود ده کارشناس خارجی برای اصلاح وضع دارائی ایران مورد نیاز است. حکومت ایران مایل است که مسئله نخست (استخدام مستشاران انگلیسی برای نوسازی ارتش) تا جایی که ممکن است از انظار عموم پوشیده بماند و به گوش بالشویکها نرسد که آن را بهانه‌ای برای تجاوز به خاک ایران قرار دهند.

حکومت جدید در نظر دارد علاوه بر این عده افسرانی که از انگلستان استخدام می‌شوند پانزده افسر اروپائی دیگر، این بار از کشور سوئد، استخدام کند. خود حکومت ایران چندان رضایتی از افسران سوئدی ندارد و اگر آزادی عمل داشت جای آنها را نیز به افسران انگلیسی می‌سپرد ولی چون این عده پس از اینکه به ایران آمدند بلافاصله مأمور خدمت در شمال کشور خواهند شد، عجبالتاً چنین صلاح دیده شده است که آنان را از کشور سوئد استخدام کنند.

حکومت کنونی هیچ مایل نیست پای مستشارانی را که اتباع یکی از کشورهای بزرگ، مثلاً اتباع آمریکا، باشند به ایران باز کند زیرا قطع نظر از اینکه خود انگلستان ممکن است با این عمل مخالف باشد، اعمال و اقدامات بعدی این قبیل مستشاران در مواردی که تشخیص می‌دهند فلان عضو بی‌کفایت باید از تشکیلات اداری کشور کنار گذاشته شود، ممکن است به تولید اشکالات دیپلماتیک منجر گردد. اما اگر سوئد آنها در رأس امور ژاندارمری قرار گیرند چنین اشکالاتی پیش نخواهد آمد زیرا که سازمان ژاندارمری ایران مدتی است زیر نظر آنها

اداره می‌شود.

حکومت سیدضیاء در نظر دارد مستشاری از فرانسه برای اصلاح وضع دادگستری ایران استخدام کند. نیز قرار است از حکومت آمریکا بخواهد یک مستشار عالی‌رتبه کشاورزی، باده تن کارمند زبردست، در اختیارش قرار دهند. مستشاران بلژیکی که تاکنون در رأس دوایر گمرکی و پست و تلگراف ایران انجام وظیفه می‌کرده‌اند کماکان در مناصب خود ابقا خواهند شد.

رونوشت این تلگراف تحت شماره ۷۶ به بغداد مخابره شد و نسخه‌ای دیگر به ستاد نورپرفورث در قزوین ارسال گردید.

با احترامات نورمن

سند شماره ۳۳۴ (= ۶۹۵ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ دوازدهم مارس مستر نورمن به لرد کوزن

بسیار مهم و فوری

جناب لرد

عطف به تلگراف شماره ۱۵۰ من<sup>۱</sup>

نخست وزیر (سید ضیاء) به من اطلاع داد که طبق ترتیبات فعلی دیگر وقت زیادی برای خروج قوای نظامی بریتانیا از ایران باقی نمانده و بنابراین به فوریت باید در فکر تشکیل نیروئی جایگزین بود که بتواند وظایف آنها را در محور متجیل - قزوین انجام دهد.

مشارالیه استدعا دارد عالیجناب به تقاضای چندی پیش که عده‌ای افسر انگلیسی در اختیارش قرار گیرد پاسخی سریع و مساعد لطف فرمائید. بدون استفاده از تخصص این افسران هیچ گونه اقدام جدی برای تشکیل نیروی جایگزین انجام پذیر نیست.

سرهنگ هادلتن<sup>۲</sup> با کمال اشتیاق حاضر است انجام این مأموریت را (به شرط داشتن افسران زبردست) به عهده گیرد.

نخست وزیر این نکته را نیز خاطر نشان ساخت که اجرای سریع و موفقیت آمیز

۱- بنگرید به سند شماره ۶۹۴.

\*- وابسته نظامی بریتانیا در تهران.

برنامه‌هایی که برای اصلاح وضع مالی ایران و نوسازی ارتش تنظیم شده، هر دو ایجاب می‌کند که وی هر چه زودتر از نظر حکومت انگلستان نسبت به سیاست کلی کابینه‌اش آنگاه گردد زیرا معتقد است که بدون کمک معنوی بریتانیای کبیر هیچکدام از آن برنامه‌ها انجام پذیر نیستند.

رونوشت این تلگراف به هندوستان مخابره شد و دو نسخه دیگر به بغداد و قزوین ارسال گردید.

با احترامات دشورمن

سند شماره ۳۳۵۶ (= ۶۹۶ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ چهاردهم مارس لرد کوزن به مستر نورمن

محرمانه

آقای وزیر مختار

عطف به تلگرافهای شماره ۱۲۹ (مورخ بیست و ششم فوریه) و شماره ۱۳۵ (مورخ سوم مارس) شما.

شورای نظامی وزارت جنگ با این پیشنهاد که دولت انگلستان مسئولیت نوسازی ارتش جدید ایران را برعهده بگیرد و افران وابسته به اسپار را با جنگ افزارها و مهماتی که در قزوین بلااستفاده مانده است در اختیار حکومت ایران قرار دهد سخت مخالف است. عقیده آنها این است که یک چنین عملی احتمالاً به قبول مسئولیتهای بیشتر که پایانش به هیچوجه معلوم نیست منجر خواهد شد در حالی که برای روبروشدن با این مسئولیتهای نه بودجه مکنفی در دسترس است و نه نفرات لازم.

از این جهت شورای نظامی ترجیح می‌دهد که مازاد اسلحه و مهمات موجود در انبارهای منجیل و قزوین (اگر خارج کردشان از کشور دشوار است) بکسر منهدم گردد تا اینکه به دست سربازان ایرانی بیفتد و سپس، به احتمال قوی، از چنگ آنها هم در بیاید و نصیب بالشویکها گردد. و به هر حال وزارت جنگ حاضر نیست مسئولیت حفظ جان افرانی را که در اختیار دولت ایران قرار می‌گیرند قبول کند یا اینکه اگر این افران در عملیات نظامی بالشویکهای شمال ایرانی شرکت کردند و گیر افتادند برای خلاص کردشان اقدام کند.

شورای عالی نظامی بر این عقیده است که خود همین عمل، تشکیل ارتش نوین ایران تحت نظر افسران انگلیسی، ممکن است آن فرصتی را که بالشویکها طالبش هستند در اختیارشان قرار دهد تا تخلیه خاک ایران را که وعده آن داده شده به تعویق اندازند و بگویند بیرون رفتن قوای بریتانیا از ایران هملی است صوری چون جانشینان آنها (به صورت مرتیان نظامی) کماکان در ایران هستند. بالشویکها خوب می‌توانند این استدلال را پیش بکشند که وضع فعلی نیروهای آنها در ایران چندان فرقی با آن ما ندارد زیرا قسمت عمده این نیروها از مرتیان ارتش سرخ که چریکهای گیلانی را آموزش می‌دهند تشکیل شده است و وظایفی که آنها انجام می‌دهند کم و بیش همان وظایفی است که افسران بریتانیایی (اگر به درخواست دولت ایران ترتیب اثر داده شود) به عهده خواهند گرفت.

من شخصاً با این نظراتی که شورای نظامی وزارت جنگ ابراز کرده موافقم و لذا باید به طور قطع شما را آگاه سازم که دولت بریتانیای کبیر به هیچوجه حاضر نیست به تقاضای نخست‌وزیر ایران (سید ضیاء) ترتیب اثر بدهد.<sup>۱</sup>

کوزن

### سند شماره ۲۲۶ (-۶۹۷ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ شانزدهم مارس ستر نورمن به لرد کوزن

خط را آزاد کنید

جناب لرد

۱- بنا به یادداشتی که ستر آلیفت (مدیر کل شعبه خاوری وزارت خارجه انگلیس) در تاریخ دوم مارس ۱۹۲۱ برای اطلاع لرد کوزن ضمیمه پرورنده ایران کرده: «... ستر ویشن چرچیل وزیر مستعمرات بریتانیا جداً طرفدار این فکر است که باید با تمام وسایل ممکن - دادن اسلحه، مهمات - از حکومت سید ضیاء پشتیبانی کرد.»

ستر نورمن در تلگراف شماره ۱۸۳ (مورخ بیست و ششم مارس) خود که اصل آن در مجموعه اسناد نیامده دلیل می‌آورد که تصمیم دولت بریتانیا تجهیزات دولت ایران را در سطحی پائین‌تر از آن خریف (بالشویکها گیلان) قرار می‌دهد زیرا اینان توبه‌های صحرائی در اختیار دارند که ایران ندارد. و این عدم توازن به آسانی می‌تواند کوششهای مدافعان تهران را فلج سازد. لذا مجدداً از لرد کوزن خواهش می‌کند که تمام نفوذ خود را در مقابل اولیای ارشد وزارت جنگ بریتانیا به کاربرد و آنها را به تفسیر روئهای که پیش گرفته‌اند وادار سازد.

ویاستاد انگلیسی سند

تلگراف شماره ۱۲۰ عالیجناب<sup>۱</sup> باعث قوت قلب من شده و امیدوارم کرده که به درخواست حکومت ایران پاسخ مساعد داده خواهد شد. چنین پاسخی مرا از مشکل جواب دادن به دلائی که شورای نظامی وزارت جنگ در تائید نظر خود اقامه کرده و خلاصه‌اش در تلگراف شماره ۱۱۷ عالیجناب آمده است<sup>۲</sup> لااقل در حال حاضر مستفی می‌سازد.

مع الوصف می‌خواستم جرات کنم و قسمتی از نتایج وخیم اجرای سیاستی را که در تلگراف بالا (شماره ۱۱۷) توصیه شده است به عرضتان برسانم:

حکومت فعلی ایران به محض اینکه از جلب مساعدت بریتانیای کبیر مأیوس شد بناچار رویه دوستانه خود را نسبت به ما عوض خواهد کرد و برای دریافت کمکهای مالی و نظامی رو به دیگران خواهد آورد.

تا جایی که اطلاع دارم خود ایرانیان ترجیح می‌دهند افسران مرتبی و مهمات و جنگ‌الزارهای موردنیاز خود را از یک دولت بزرگ اروپائی بدست آورند و از میان کشورهای اروپائی، بعد از انگلستان، احتمالاً فرانسه را انتخاب خواهند کرد که هم انجام درخواستهای ایران از دستش ساخته است و هم خوشحال می‌شود از اینکه موقعیت و مقام ما را که جایش در این کشور خالی شده است فوراً اشغال نماید.

در عین حال، اگر فرانسویها نتوانستند کمکهای ما را که ایران می‌خواهد بموقع برایش برسانند، که احتمالاً همین طور هم خواهد شد، برای حکومت ایران راه دیگری باز نخواهد ماند جز کنار آمدن بالشویکها و پذیرفتن آنها با آغوش باز.

و در هر کدام از این در حالت - چه فرانسویها جای ما را اشغال کنند و چه دولت بالشویکی روسیه - ادامه خدمت مستشاران انگلیسی در ایران غیر ممکن خواهد شد و آن عده از افسران انگلیسی که در حال حاضر نیروی اسپار را اداره می‌کنند ناچار به ترک خدمت خواهند شد آنهم به فرض اینکه خود تشکیلات اسپار از بین نرود که تازه این فرض هم مسلم نیست. اما آنچه مسلم است این است که موقعیت و مصالح تجاری بریتانیا در ایران بکلی نابود خواهد شد.

با اجازه عالیجناب می‌خواهم اهمیت تصمیم‌گیری سریع درباره این مسائل را

۱- تلگرافی که متر نورمن به آن اشاره می‌کند تاریخ چهاردهم مارس را دارد و اصل آن در مجموعه اسناد نیامده در این تلگراف لرد کرزن نظر وزیر مختار را به سند شماره ۶۹۶ (سند قبلی) جلب می‌کند و به او دستور می‌دهد که عاجلاً از اجرای دستور مندرج در آن تلگراف دست نگاهدارد تا تعلیمات بعدی برایش برسد.

۲- بنگرید به سند شماره ۶۹۶ (سند قبلی).

یادآوری کنم چون به طوری که می‌بینم طبق آخرین اطلاعات رسیده به من (از ستاد نورپرفورث) نیروهای نظامی انگلستان قزوین را تا دهم آوریل و همدان را تا بیست و یکم همین ماه تخلیه خواهند کرد.

نسخه‌ای از این گزارش به هندوستان مخابره شد و دو نسخه دیگر یکی به بغداد و دیگری به قزوین ارسال گردید.

با احترامات: نورمن

سند شماره ۳۲۷ (= ۶۹۸ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ شانزدهم مارس لورد کوزن به مستر نورمن

آقای وزیر مختار

عطف به تلگراف شماره ۱۶۲ مورخ پانزدهم مارس شما<sup>۱</sup>

نظر به اهمیت فوق‌العاده‌ای که دولت بریتانیا برای تحکیم موقعیت خود در جنوب ایران قایل است، نیز برای اینکه به حکومت جدید ایران فرصتی داده شود که قدرت خود را در شمال کشور بگستراند، خزانه‌داری بریتانیا رضایت داده است حد اعلائی مبلغی را که مقدورش هست به میزان ۲۲۵ هزار لیره انگلیسی تهیه و در دسترس اولیای حکومت جدید بگذارد که صرف هزینه انحلال نهائی اسپیار (پلیس جنوب) یا ادغام آن در ارتش نوبنیان ایران گردد.<sup>۲</sup> خیلی کوشیدم حکومت هندوستان را وادار سازم بخشی از این هزینه‌ها را برعهده گیرد ولی مساعی ام به جایی نرسید.

بنابراین توجه داشته باشید این آخرین باری است که دولت انگلستان مخارجی در این زمینه به عهده می‌گیرد. لطفاً نظر بدهید که بهترین راه صرف این مبلغ چیست و در چند قسط می‌شود آن را در اختیار دولت ایران گذاشت.

کوزن

۱- اصل این تلگراف در مجموعه فعلی نیامده.

۲- رجوع کنید به زیرنویس شماره ۳ در سند شماره ۶۶۱.

## سند شماره ۲۳۸۵ (- ۵۶۹۹ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلفگراف مورخ هفدهم مارس مترنورمن به لرد کوزن

جناب لرد

یادداشتی از وزیر خارجه ایران\* دریافت کرده‌ام دایر بر اینکه حکومت جدید خیال دارد قرارداد ۱۹۱۹ را رسماً الفاء کند.

وزیر خارجه در یادداشت خود توضیح می‌دهد برای از بین بردن سوء تفاهماتی که در نتیجه عقد قرارداد ۱۹۱۹ پیش آمده است، دست زدن به چنین اقدامی (اعلام لغو قرارداد) مطلقاً ضروری است. معظم‌له بر این عقیده است که این عمل (ابطال قرارداد) باعث تحکیم روابطی خواهد شد که در عرض صد سال گذشته میان دو کشور وجود داشته و از کوره حوادث یک قرن محکم و پایرجا بیرون آمده است.

وزیر خارجه با تصدیق این حقیقت که قرارداد مزبور، موقعی که امضا شد، مزایای بسیار برای ایران قابل شده بود، بر این عقیده است که زمان اکنون عوض شده و مزایای موعود در اوضاع فعلی جهان قابل تحقق نیست و لذا پافشاری برای اجرای سندی که به تصویب مجلس هم نرسیده ممکن است روابط حسنه کنونی میان ایران و انگلستان را هم به خطر اندازد. برداشت من از قسمت اخیر حرف وزیر خارجه این است که او از تأثیر قرارداد ۱۹۱۹ در روابط آتی ایران و شوروی صحبت می‌کند ولی خودش توضیح می‌دهد که نه تنها ایران حاضر به اجرای مواد آن نیست بلکه افکار عمومی انگلستان نیز بته شدن چنین قراردادی را با شک و تردید تلقی کرده است. در رابطه با این قسمت از نظر وزیر خارجه باید به استحضار عالیجناب برسانم که تمام آن تفسیرات نامساعد که روزنامه‌های انگلستان درباره این قرارداد مشر کرده‌اند به زبان فارسی ترجمه در مطبوعات ایران منعکس گردیده است.

وزیر خارجه در یادداشت خود احساسات دوستانه ملت ایران را نسبت به انگلستان تجدید و اظهار امیدواری می‌کند که در نتیجه منفی شدن قرارداد، زمینه برای ایجاد روابط بهتر و دوستانه‌تر میان ایران و انگلستان هموار گردد و مانعی در این زمینه پیش نیاید که کشورش از خدمات مستشاران و سرمایه‌های انگلیسی محروم گردد.

مشا‌زآله (وزیر خارجه) در آخرین قسمت یادداشت خود از ما درخواست می‌کند نظر

حکومت انگلستان درباره اقدامی که صورت گرفته (لغو قرارداد) هر چه زودتر اعلام گردد. خود من، همچنانکه عالیجناب اطلاع دارید، بر این عقیده هستم که با لغو شدن این قرارداد انگلستان چیزی از دست نمی‌دهد و به عکس اگر رضایت خود را در قبال عملی که انجام گرفته اعلام دارد شأن و محبوبیتش در این کشور فوق‌العاده بالا خواهد رفت. حکومت جدید ایران هم اکنون در شرف استخدام کارشناسان عالی‌رتبه انگلیسی برای اصلاح وزارتخانه‌های دارائی و فواید عامه است.<sup>۱</sup> نیز با کمال اشتیاق منتظرند که در صورت موافقت انگلستان، افسران انگلیسی را برای نوسازی ارتش ایران استخدام و تشکیلات اسپار را هم در ارتش جدید ادغام کنند و تصور می‌کنم آماده باشند مستشاران انگلیسی را در سایر وزارتخانه‌ها هم یکار گمارند. بنابراین استدعا دارم جوایی مساعد و امیدوار کننده به این یادداشت داده شود چون اطلاع دارم که حکومت جدید با کمال بی‌صبری منتظر پاسخ عالیجناب است.

مفهوم اشاره‌ای هم که در این یادداشت به سرمایه‌های انگلیسی شده به هیچوجه این نیست که دولت جدید از همان بدو زمامداری خود در صدد اخذ کمکهای مالی از انگلستان باشد بلکه بیشتر به این معنی است که آنها امیدوارند دولت انگلستان بعدها کمک کند تا امکانات سرمایه‌داران انگلیسی برای حل مشکلات مالی ایران بکار بیفتد.

با احترامات نورمن

سند شماره ۳۳۹ (= ۷۰۰ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ هفدهم مارس لورد کوزن به مستر نورمن

بسیار مهم و فوری

آقای وزیر مختار

عطف به تلگراف شماره ۱۵۶ مورخ دوازدهم مارس شما<sup>۲</sup>

۱- وزارت فواید عامه در آن تاریخ از سه اداره کل - اداره کل ملاحات (کشاورزی) اداره کل تجارت (بازرگانی) و اداره کل صناعت (پیشه و هنر) تشکیل می‌شد. این سه اداره کل بعدها به وزارتخانه‌های مستقل تبدیل شدند و وزارت فواید عامه از بین رفت. مترجم

۲- ینگرید به سند شماره ۶۹۵.



وزارت جنگ بریتانیا نمی‌تواند افسران انگلیسی را اجباراً به مأموریت‌های نظامی بفرستد. مگر اینکه ضمناً متعهد بشود که در صورت نیاز گروه‌های نجات به کمکشان گسیل دارد. و در وضع کنونی ایران فرستادن چنین افسرانی، با چنین تعهداتی، غیر ممکن است. مع الوصف، اولیای وزارت جنگ حاضرند به افسران انگلیسی اجازه دهند که تحت شرایط زیر داوطلبانه به خدمت دولت ایران در آیند:

۱- استخدام آنها در نیروهای نظامی ایران باید داوطلبانه باشد.

۲- هیچگونه انتظاری نباید داشته باشند که اگر جانشان به خطر افتاد گروه‌های نجات از انگلستان به کمکشان فرستاده شود.

۳- تأمین اعتبار برای پرداخت حقوق، مزایا، و ماعده بازنشستگی این افسران کلاً، یعنی در تمام مدتی که در ایران مشغول خدمتند، بر عهده دولت ایران است و دیناری از این بابت، از بودجه نظامی بریتانیا، به آنها پرداخت نخواهد شد. (جزئیات مالی این قسمت بعد از اینکه معلوم شد چند تن از افسران انگلیسی داوطلب خدمت در ایران هستند از طرف متصدیان مربوط در وزارتخانه‌های خارجه و دارائی بریتانیا تعیین خواهد شد.)

۴- در همان حالی که وزارت جنگ انگلستان متهای کوش خود را بکار خواهد برد که این افسران داوطلب، پس از اینکه مدت خدمتشان در ایران بسر رسید، دوباره در ارتش بریتانیا استخدام گردند، این احتمال باید پیشاپیش پذیرفته شود که وزارت جنگ ممکن است آنها را تا مدتی در لیست افسرانی که فقط نصف حقوق خود را دریافت می‌کنند قرار دهد. این شرط آخری البته شامل حال افسرانی نمی‌شود که موقتاً به استخدام وزارت جنگ در آمده‌اند. تمام این جزئیات و شرایط را به طور دقیق به اطلاع نخست‌وزیر (سید ضیاء) برسانید و بگوئید گرچه دولت انگلستان حاضر است زمینه را برای استخدام شدن افسران انگلیسی در دستگاه حکومت ایران هموار سازد، از نظر خود این گروه (افسران استخدام شده) مسئله مهم و اساسی این است که شرایط خدمت و میزان حقوق ماهانه آنان قبلاً به نحو رضایت‌بخش حل و فصل گردد. انجام کارهای مقدماتی از قبیل دادن ترتیبات استخدام و غیره البته باید هر چه زودتر آغاز و تکمیل گردد.

در باره اعطاء کمکهای مالی هم عیناً به همین نحو نظر مساعد دارم و به همین دلیل می‌خواهم تلگرافی برای مستر آرمیتاژ اسمیت که اکنون در بمبئی است بفرستم و او را در جریان کار بگذارم.<sup>۱</sup> رونوشت این تلگراف به هندوستان هم مخابره شد.

۱- مستر آرمیتاژ اسمیت در بیست و چهارم فوریه از انگلستان با کشتی به سوی ایران حرکت کرده بود و

## سند شماره ۲۲۰ (۷۰۱ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ هفدهم مارس مستر نورمن به لرد کوزن

بسیار مهم و فوری

جناب لرد

عطف به تلگراف شماره ۱۵۰ من<sup>۱</sup>

نخست وزیر (سیدضیاء) از من خواسته به اطلاع عالیجناب برسانم که اگر او بتواند ظرف ماه آینده کارهای معوق کشور را به جریان اندازد جای امید هست که بتواند استقلال ایران و منافع بریتانیا را در ایران نجات دهد. اما رسیدن به این هدف جز با کمک افسران و مستشاران انگلیسی امکان پذیر نیست.

مع الوصف، برای اینکه حتی خصومت ناسیونالیستهای ایرانی برانگیخته نشود و نگویند که نخست وزیر جدید در همان حالی که مدعی است قرارداد ۱۹۱۹ را لغو کرده، مهمترین قسمتهای آن را به نحوی دیگر دارد اجرا می کند، مایل است همزمان با صدور اعلامیه ای در این باره (لغو شدن قرارداد) بتواند این موضوع را نیز به گوش هموطنانش برساند که در اجرای سیاست جلب مستشاران خارجی (برای اصلاح وضع مالی، اداری، و نظامی کشور) نه تنها از انگلستان بلکه از سایر کشورهای اروپائی نیز دعوت خواهد کرد که مستشار و کارشناس در اختیار ایران قرار دهند. اما در حال حاضر از صدور این اعلامیه دست نگاهداشته زیرا می خواهد قبلاً اطمینان حاصل کند که دولت بریتانیای کبیر با مضمون آن مخالف نیست.

به همین مناسبت از عالیجناب تقاضا دارد که نظرات خود را در این زمینه هر چه زودتر ابراز فرمائید. در رابطه با این موضوع (استخدام افسران و مستشاران غیر انگلیسی) او عقیده دارد که استخدام این گونه افراد و آوردنشان به ایران مدتی طول خواهد کشید و نتیجه این خواهد شد که افسران و رایزنان انگلیسی که هم اکنون در ایران هستند بتوانند وظایف خود را بیدرنگ آغاز کنند یعنی همان وضعی پیش بیاید که او می خواهد.

در این تاریخ در پیشی نوقف داشت.

۱- بتگرید به سند شماره ۶۹۴.

نخست وزیر بار دیگر روی این نکته به تأکید انگشت گذاشت که در وضع کنونی کشور بقای وی و کابینه اش بنگی تام به حسن نظر و حمایت دولت بریتانیا دارد و حکومت کنونی ایران مایل است تمام برنامه‌هایی را که برای اجرا در نظر گرفته با موافقت کامل انگلستان اجرا کند.

متن این تلگراف به هندوستان هم مخابره شد و رونوشتی از آن به بغداد و قزوین (ستاد نورپرفورث) ارسال گردید.

به احترامات: نورمن

### سند شماره ۳۴۱ (= ۷۰۲ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ هجدهم مارس مستر نورمن به لرد کرزن

سیار مهم و فوری

جناب لرد

عطف به تلگراف شماره ۱۲۳ عالیجناب<sup>۱</sup>

دستور عالیجناب را بیدرنگ اجرا و مطالبی را که در تلگراف بالا آمده است به اطلاع نخست وزیر ایران خواهم رساند.

در این ضمن، آیا ممکن است امیدوار باشم که عالیجناب تصمیمات دیگرتان را نیز که در تلگراف شماره ۱۱۷ به من ابلاغ شده است عوض کنید و اجازه فرمایید که جنگ افزارها، مهمات، و مازاد لوازم سربازها (لباس، چکمه، پتو، و غیره) که در انبارهای ما بلا مصرف مانده به دولت ایران فروخته شود زیرا حکومت جدید همان گونه که به افسران انگلیسی نیاز دارد به این گونه مهمات و جنگ افزارها نیز سخت نیازمند است.<sup>۲</sup>

لطفاً به تلگراف شماره ۱۲۹ من رجوع فرمایید.<sup>۳</sup> رونوشت این تلگراف به هندوستان مخابره شد و دو رونوشت دیگر به بغداد و قزوین ارسال گردید.

۱- بنگرید به سند شماره ۷۰۰.

۲- بنگرید به سند شماره ۶۹۶.

۳- مقداری مهمات و جنگ افزار (تفنگ، فشنگ، و غیره)، نیز پوشاک و کفش و کلاه زمستانی سرانجام از انبارهای ملزومات بریتانیا در قزوین و منجیل به دولت ایران تحویل داده شد.

با احترامات نورمن

## سند شماره ۳۴۲ (= ۷۰۳ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ هیجدهم مارس مستر نورمن به لرد کوزن

بسیار مهم و فوری

جناب لرد

عطف به تلگراف شماره ۱۶۴ من<sup>۱</sup>

نخست وزیر (سیدضیاء) در ملاقاتی که امروز با من داشت دوباره مسئله الغاء قرارداد ایران و انگلیس (قرارداد ۱۹۱۹) را پیش کشید و اظهار امیدواری کرد که عالیجناب به من اجازه بدهید در جواب یادداشت رسمی وی که دیروز دریافت شد شرحی به این مضمون برایش بنویسم که دولت انگلستان موقعی که قرارداد ۱۹۱۹ را با دولت ایران بست بر این اعتقاد بود که مفاد و محتوایش مصالح ایران را از هر حیث تأمین می‌کند، اما چون بعداً در عمل ثابت شد که مردم ایران از بسته شدنش ناراضی هستند دیگر هیچگونه اصراری ندارد که این قرارداد کماکان به قوت خود باقی بماند و ایرانیان آن را با اکراه و ناخروستی بپذیرند. دولت انگلستان به هر حال اجازه نخواهد داد حوادثی از این نوع روابط دوستانه دولتی را که سه قرن متوالی ادامه داشته است کدر و آشفته سازد. و لذا کمافی السابق با یک احساس همدردی به مسائل و مشکلات ایران خواهد نگرست و در راه رفع آن مشکلات مردم ایران را کمک خواهد کرد.

نخست وزیر اظهار داشت اگر عالیجناب اجازه می‌دادید اعلامیه‌ای به همین مضمون که در نظر دارد صادر کند، مقام و محبوبیت بریتانیای کبیر در ایران خیلی بالا می‌رفت، دست خود وی برای استخدام مستشاران انگلیسی باز می‌شد و می‌توانست امتیازاتی خیلی بیشتر از آنچه تاکنون مقدورش بوده به اتباع بریتانیا بدهد. اما در حال حاضر متأسفانه وضع طوری است که هر امتیازی از این نوع که به شهروندان انگلیسی داده شود او را در معرض این اتهام قرار خواهد داد که می‌خواهد قرارداد ۱۹۱۹ را به طرزی سربسته و مستور بر هموطنانش تحمیل کند.

خود من با اظهارات سیدضیاء موافقم و این نکته را هم اضافه می‌کنم که به علت شهرت آنگلو فلی که این مرد در چشم هموطنانش دارد این گونه اتهامات تقریباً بیش از هر کس دیگر در ایران به او می‌چسبند. رونوشت این تلگراف به هندوستان هم مخابره شد.

با احترامات: نورمن

سند شماره ۳۴۳ (= ۷۰۳ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ بیستم مارس لرد کوزن به مستر نورمن

آقای وزیر مختار

عطف به تلگرافهای شماره ۱۶۹ و ۱۷۰ شما

حکومت بریتانیای کبیر حتی برای لحظه‌ای هم روی این مسئله پافشاری نکرده که حکومت ایران، مجلس شورای ملی ایران، یا مردم ایران، قرارداد ۱۹۱۹ را حتماً باید بپذیرند و لذا آزادند به هر نحوی که مایل باشند خود را از قید آن رها کنند.

اما در عین حال متوجه باشید که شخصاً به هیچ وجه نمی‌توانم احساسات خود را در این باره پوشیده نگاهدارم و بگویم که دولت انگلستان در قبال عمل ایرانیان که قراردادی را که رسماً امضا شده بود لغو کرده‌اند بی‌اعتناست یا اینکه نتایج حاصل از آن را به چشم رضایت و خشنودی می‌نگرد.

با اینکه، از علاقه دیرین حکومت انگلستان نسبت به ملت ایران چیزی کاسته نشده و گواه این حرف من اقدامات اخیر آنهاست برای انجام خواسته‌های ایران، جلب موافقت شروط وزارت جنگ برای گذاشتن افسران انگلیسی در اختیار دولت ایران، تحویل کل تشکیلات اسپار به ایران، و تأمین مستشاران مالی برای اصلاح وضع دارائی ایران.

نخست وزیر ایران باید این نکته را تشخیص بدهد که اکنون نوبت اوست که صداقت و دوستی کشورش را نسبت به انگلستان ثابت کند. از نظر ما، به هر تقدیر، چنین امکانی مطلقاً وجود ندارد که حکومت ایران را از قید آن بدهی سابقشان به ما (یکصدوسی و یک هزار لیره = چهارصد هزار تومان) معاف سازیم.<sup>۱</sup> یا اینکه از بهای اسلحه‌هایی که به آنها داده‌ایم چشم

۱- بنگرید به سند شماره ۷۰۲ و ۷۰۳.

۲- بنگرید به اسناد ۵۸۲ و ۵۸۳ در این جلد.

پوشیم. و لذا یک بار دیگر حرف سابق خود را تکرار می‌کنم که اگر آنها (حکومت ایران) به وعده‌هایی که به ما داده‌اند وفا نکنند ما هم آن اقدامات متقابل را که قبلاً اعلام کرده‌ایم (تقلیل تعرفه گمرکی و پایین آوردنش به سطح سابق) به معرض اجرا خواهیم گذاشت.<sup>۱</sup>

در اوضاع و احوال کنونی هیچ امیدی نیست که حکومت انگلستان و امی به ایران بدهد اما اگر مستشارانی که برای وزارتخانه‌های جنگ و دارائی استخدام می‌شوند انگلیسی باشند با استخدام مستشاران اروپائی (غیر انگلیسی) برای وزارتخانه‌های دیگر مخالف نیستم گرچه متأسفانه تاریخ معاصر ایران پر از لاشه‌های این گونه طرحها (برای جلب مستشاران اروپائی) است که به هیچ جا نرسیده.

لذا خلاصه جواب من به تلگرافات اخیرتان این است که ما در همان حالی که طالب خیر و خوشبختی برای حکومت جدید ایران هستیم و خیلی مایلیم به نخست‌وزیر جدید کمک کنیم تا برنامه‌ها و طرحهای نوین خود را پیاده کند، انتظارمان این است که شواهد دوستی این بار از تهران نشان داده شود نه از لندن.

کوزن

### سند شماره ۳۴۴ (= ۷۰۵ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ سی و یکم مارس مستر نورمن به لرد کوزن

جناب لرد

عطف به تلگراف شماره ۱۲۵ عالیجناب<sup>۲</sup>

حکومت جدید ایران از مقاصد دوستانه انگلستان نسبت به ایران سپاسگزار است و از من خواسته است مراتب امتنان و حقشناسی آنها را به حضورتان تقدیم دارم. کابینه سید ضیاء خیال دآود آن مبلغ یکصد و سی و یک هزار لیره را که بین امضا کنندگان

منظور لرد کوزن آن پولی است که انگلیسیها به وزرای عاقد قرارداد داده بودند و اکنون که قرارداد ابطال شده بود استرداد آن را می‌خواستند. این مبلغ بالاخره در زمان سلطنت رضا شاه از وزرای سه گانه وصول و به خزانه دولت ریخته شد. برای تفصیل واقعه بنگرید به خاطرات تھی زاده، صص ۱۹۶ - ۱۹۵.

۱- بنگرید به سند شماره ۶۸۹.

۲- بنگرید به سند شماره ۷۰۴ (سند قبلی).

قرارداد توزیع شده است از آنها پس بگیرد.

نیز از من خواسته شده است سپاه‌های از مهمات و جنگ افزارها که قرار است به ایران داده شود در اختیار مقامات ایرانی بگذارم که موقع محاسبه لازم خواهد شد. اما چون قضیه در این اواخر کمی پیچیدگی پیدا کرده، تاکنون نتوانسته‌ام به این تقاضا جواب قطعی بدهم. گرچه هنوز به مفهوم آن قسمت از تلگراف عالیجناب پی نبرده‌ام که می‌فرمائید اگر دولت ایران به وعده‌های خود وفا نکند دولت انگلستان ممکن است ناچار به الغاء قرارداد گمرکی جدید با ایران گردد، مع الوصف عین اخطار عالیجناب را به حکومت سیدضیاء ابلاغ کرده‌ام. و به هر تقدیر هنوز هم بر این عقیده‌ام که به دلایلی که در تلگراف شماره ۱۳۵ من ذکر شده است اجرای این تصمیم (لغو قرارداد گمرکی جدید) بیش از آنچه ایرانیان را تنبیه کند (که تصور می‌کنم مقصود عالیجناب هم همین باشد) به منافع تجاری بریتانیا در ایران لطمه خواهد زد.

همچنانکه در تلگرافهای شماره ۱۲۱ و ۱۶۴ من به استحضارتان رسیده است حکومت جدید ایران خیال و ام گرفتن از انگلستان را ندارد و چنین انتظاری هم ندارد که اگر تقاضایی در این زمینه تسلیم کرد به آن ترتیب اثر داده شود.

به طور رسمی از من استعلام شده که نظر دولت انگلستان درباره اعزام یک مستشار عالیرتبه مالی همراه با ده معاون چیست و من جواب داده‌ام که حکومت بریتانیای کبیر علی‌الاصول با این تقاضا موافق است و به آن ترتیب اثر خواهد داد.

بالاخره می‌رسیم به مسئله اسپیار (پلیس جنوب). دولت ایران انحلال این نیرو را اعلام کرده و به خدمت افسران انگلیسی‌اش خاتمه داده است. نیروی اسپیار در آتیه در تشکیلات ژاندارمری ایران ادغام خواهد شد. همزمان با این عمل، آنها (حکومت جدید ایران) از دولت انگلستان تقاضا دارند که تسهیلات لازم برای استخدام تعدادی از اتباع انگلیسی در نیروی ژاندارمری ایران به شرح زیر فراهم گردد:

یک سرهنگ

یک حسابدار غیر نظامی

چهارده افسر شاغل

سه پزشک نظامی

۱- بنگرید به سند شماره ۶۸۸.

۲- بنگرید به اسناد شماره ۶۸۹ و ۶۹۹.

## سه دامپزشک

این تعدادی که خواسته شده مبنی بر همان طرحی است که فرمانده کل نیروی اسپیار چندی پیش به درخواست حکومت ایران تنظیم کرده بود. درخواست جدید صرفاً فرمالتیه است چون نه تن از این چهارده افسر انگلیسی هم اکنون در ایران هستند. در قبال درخواست حکومت ایران جواب داده‌ام که دولت انگلستان با این تقاضا موافق است و به آن ترتیب اثر خواهد داد.

هدف این نقشه - انحلال صوری اسپیار (پلیس جنوب) و ادغام کردنش در تشکیلات ژاندارمری - محروم کردن روسها از هر نوع مستمسک و بهانه است که فردا نگویند دولت ایران مشغول اجرای نقشه قرارداد و تشکیل یک ارتش ایرانی تحت نظر افسران و فرماندهان انگلیسی است چون نیروی ژاندارمری ایران دقیقاً نیروی نظامی نیست بلکه بیشتر برای حفاظت راههای تجاری، جلوگیری از تجاوز راهزنان، و حراست از مال التجاره بازرگانان ایرانی و خارجی که مشغول تجارت در داخله کشور هستند درست شده است.

تا این دقیقه که این گزارش را خدمتان می‌فرستم هنوز تقاضای کتبی از افسران انگلیسی برای خدمت در لشکر قزاق ایران که افسران روسی اش اخراج شده‌اند دریافت نکرده‌ام. اما فرمانده نورپرفورث بنا به درخواست حکومت ایران مشغول اقدام در این باره است.

دو رونوشت از این گزارش به قزوین و بغداد مخابره و رونوشت دیگری به هندوستان ارسال شد.





## فهرست اعلام

	آ
استرآباد (گرگان) ۶۱	آتاتورک (مصطفی کمال) ۷۶
استفردهام (کرد) ۲۴۸	آذربایجان ایران ۶۶، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۴۰
اسلام ۱۸۲، ۱۸۲	۱۹۵، ۲۱۰، ۲۳۰
اسمارت ۳۰	آذربایجان شوروی ۶۲، ۱۲۴، ۱۴۰، ۱۶۳، ۱۶۵
اسمایس (کلنل) ۱۸۶	۲۳۴، ۲۰۹
اصفهان ۱۰۷، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۶۸	آذربایجانی‌های ماوراء ارس ۲۴۱
۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۹	آرمیتاز - اسمیت ۲۵، ۲۵، ۷۱، ۷۳، ۷۹، ۸۹
۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰	۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۸۰، ۱۸۲
۲۲۳، ۲۲۶، ۲۴۰	۲۱۴، ۲۲۰، ۲۳۹، ۲۵۸
افغانستان / افغانها ۱-۵، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۵۴، ۱۸۲	آسیا ۱۸۳، ۱۹۱
۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۴۷	آسیا (مسلمان) ۱۸۳
اقبال السلطنة ماکویی ۷۴، ۷۵	آشوراده ۱۱۵
امیر نظام همدانی (حسینقلی خان قراقرزلی) ۵۴	آقابابا (قریه) ۴۲
انتلیجنس سرویس ۱۹۴	آلمان ۸۲، ۱۹۲
انزلی ۱۱، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۳۴، ۱۶۴	آلیفت ۸۸، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۷، ۲۵۳
۱۶۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۹۵، ۲۰۵	آمریکا، آمریکاها ۴۳، ۴۴، ۸۲، ۹۰، ۹۱، ۱۳۷
انصاری، علی قلی خان — مشاورالممالک	۱۴۸، ۱۷۳، ۲۲۵، ۲۳۵، ۲۵۱
انگرت ۴۴	آنکارا ۷۵، ۷۶
انگلیس / انگلستان (در غالب صفحات)	آیرنساید (زرنال) ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۳۲، ۳۳، ۳۹، ۴۲
انگلیس (افسران) ۲۲، ۲۵، ۲۸، ۳۵، ۵۱، ۵۶	۴۳، ۵۱، ۵۱، ۵۳، ۵۶، ۶۴، ۶۴، ۹۸، ۹۹، ۱۱۱
۶۵، ۶۶، ۸۳، ۸۶، ۹۱، ۹۴، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۲	۱۱۲، ۱۳۱، ۱۶۴
۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۳۲، ۱۳۶	استارو سلکی ۲۲، ۲۹، ۳۳، ۳۷، ۴۰، ۴۵، ۸۶
۱۸۲، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۵، ۲۷۰	۲۱۹
انگلیس (سفارت در تهران) ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۴۰	استانبول ۷۵، ۱۴۳
۴۱، ۷۹، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۳۲، ۲۲۸	استاندارد اوپل ۴۴

- انگلیس (مستشاران) ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۹، ۲۶۱
- ایران (در غالب صفحات)
- ایران (اداره کل تجارت) ۲۵۴
- ایران (اداره کل تلگراف) ۲۵۷
- ایران (اداره کل صناعت) ۲۵۷
- ایران (اداره کل قوانند عامه) ۲۵۷
- ایران (انجمن های سیاسی) ۱۳۴
- ایران (رئیس جمهوری) ۲۰۵، ۱۵۵، ۱۵۶
- ایران (کنفدراسیون جنوب) ۲۰۰
- ایران (نفت جنوب) ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۴۹، ۱۸۳، ۱۹۴، ۱۸۳، ۲۱۵
- ایران (نفت شمال) ۴۳، ۴۴، ۸۲
- ایران و آلمان (عهدنامه ۱۸۷۳) ۸۲
- ایران و انگلیس (عهدنامه پاریس) ۸۲
- ایران (وزارت امور خارجه) ۴۳، ۲۷۸
- ایران (وزارت پست و تلگراف) ۲۴۰
- ایران (وزارت جنگ) ۲۳۸، ۲۶۳
- ایران (وزارت دادگستری) ۲۶، ۲۳۹
- ایران (وزارت دارایی) ۲۶، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۶۳
- ایروان ۱۳۸
- ایلات جنوب ۲۱۷
- ایلات و عشایر ۹۹، ۲۰۰
- ب
- بادکوبه ۴۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۷۶
- بادکوبه، (معادن نفت) ۱۶۵
- باطوم (بندر) ۱۶۵
- باکو ۱۴۸
- بالشوویک / بالشوویکا ۵۲، ۵۴، ۶۳، ۶۶، ۷۱، ۷۴
- ۷۵، ۷۶، ۸۰، ۹۱، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳
- ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۱
- ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۶
- ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴
- اترک (رودخانه) ۱۱۵
- احمد شاه ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۳۸، ۴۲، ۴۴، ۱۰۲
- ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۴۴
- ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴
- ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹
- ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۱۴
- ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۴۷
- ۲۴۹، ۲۴۸
- احمد شاه (مقرری) ۲۵۱، ۲۸
- ارامنه ۲۴۱
- ارتش سرخ ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۴۹
- ۱۶۴، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۳۴، ۲۵۳
- ارمن ۲۴۱
- ارتش ملی ایران (در غالب صفحات)
- ارمنستان ۷۶، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۶۳، ۱۶۵، ۲۱۰
- اروپا / اروپایی ۲۶، ۲۸، ۳۸، ۹۲، ۱۰۰، ۱۲۸
- ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۵
- ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۵۰
- اروپاییان مقیم تبریز ۶۶
- اروپاییان مقیم تهران ۱۹۸
- اروپایی (مستشاران) ۲۳۵، ۲۶۳
- اسپار (پلیس جنوب) ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۷، ۷۸
- ۸۱، ۸۸، ۱۰۷، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۳
- ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۶۹
- ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۰
- ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۵
- ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۳۹، ۲۴۵
- ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵
- اورمزی - گور (مازور) ۴۶
- اهواز ۱۷۰، ۱۹۴، ۲۰۰

- بصره ۱۱۲  
 بغداد ۲۶، ۲۹، ۳۳، ۳۸، ۴۰، ۴۶، ۴۷، ۷۰، ۷۴، ۷۶، ۸۱، ۸۶، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۰ و در غالب صفحات
- بلژیک ۱۷۳، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۵
- بلژیکی (افسران) ۱۷۸، ۱۸۶، ۲۰۰  
 بلژیکی (مستشاران) ۲۵۱  
 بلوچستان ۲۲۲، ۲۲۵  
 بندرعباس ۲۰۰  
 بوشهر ۱۹۸، ۲۰۰  
 بین النهرین — عراق
- پ
- پاریس ۳۱، ۱۷۳، ۲۳۰  
 پشتکوه ۱۹۹  
 پیرنیا (میرزا حسن خان) ۲۳۷
- ت
- تاشکند ۱۵۲  
 تبریز ۴۶، ۴۷، ۷۵، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۹۵  
 ترکمن چای (عهدنامه) ۴۶، ۸۲، ۱۱۵، ۱۱۶  
 ترک (ترکهای کمالی = ناسیونالیستها) ۷۶، ۱۰۵  
 ترکها ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۸۴، ۱۳۸  
 ترکها (عهدنامه) ۶۶  
 ترکیه ۷۵، ۱۰۵، ۱۸۲  
 ترکیه (عهدنامه متفقین با ترکیه بنام سور) ۱۸۲  
 تزاری (حکومت) ۴۱، ۸۲، ۸۳، ۱۳۹، ۱۶۳  
 تقی زاده، سید حسن ۲۶۳  
 تهران (در اغلب صفحات)  
 تهران (اتباع خارجی) ۷۹  
 تهران (نانواها - انبارهای گندم - ضلع) ۴۱، ۷۱  
 ۷۲، ۷۴، ۷۹، ۸۰  
 تیمور تاش (سردار معظم) ۶۰، ۷۷، ۷۹، ۸۵، ۸۷
- ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۹، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۶۰، ۲۶۵
- بالفور ۲۳۹  
 برلین ۲۱۰  
 بانک استقراضی روس ۶۱، ۱۱۵، ۱۱۷  
 بانک شاهي ۲۰، ۲۳، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۹، ۴۶، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۸۰، ۸۳، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۰۴، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۲  
 بریتانیا (در اغلب صفحات)  
 بریتانیا (سرفرماندهی قوا در بغداد) ۳۹، ۴۱، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۲، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴  
 بریتانیا (سفارت در تهران) ۷، ۱۰۷، ۱۵۲، ۱۶۱  
 ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۸، ۱۷۹  
 بریتانیا (سفارت در شیراز) ۱۷۰، ۱۷۲  
 بریتانیا (مطبوعات) ۱۲۳  
 بریتانیا (وزارت خارجه) ۱۷، ۲۱، ۲۸، ۳۸، ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۵۹، ۸۸، ۹۲، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۴۹، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۹۰، ۲۰۷، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۴۸، ۲۵۸  
 بریتانیا (وزارت دارایی) ۲۵۸  
 بریتانیا (وزارت دریاناری) ۱۱۶  
 بریتانیا (وزارت جنگ) ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۸۸، ۹۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۹، ۱۶۴، ۱۸۱، ۱۹۰، ۲۴۵، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۲  
 بجنورد ۶۰  
 بحر خزر ۴۳، ۴۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۲۳  
 بختیاری / بختیاریها ۷، ۸، ۱۰، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۸، ۲۲۰، ۲۴۰

تبرلی، هارولد (پروفیسور) ۱۲۲

خوی ۱۳۹

ج

جاسمہ ملل ۱۱۱

جرج پنجم ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰

جنگلی ہا ۲۴۰

جلفا ۶۱، ۱۴۰

جلفا - تبریز (راہ آہن) ۷۶

جنگ اول جہانی ۱۲۴

ج

جرچیل (سینسر) ۷۹

جرچیل (جورج) ۷۹، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۲۴، ۱۷۵

۱۸۴

جرچیل (وینستون) ۲۹، ۲۵۲

ح

حبیقلی خان قراقرلو (امیر نظام ہمدانی) ۵۲

حکمت افند ی ۱۳۸

خ

خانقین ۱۹۹، ۲۰۰

خان ساکو - اقبال السلطنت

خاورمیانہ ۱۸۲

خراسان / خراسانی ۹۸، ۱۳۴، ۱۸۲، ۲۳۶، ۲۳۷

خراسان (وکلا) ۷۲

خرم آباد ۱۹۹

خزر - بحر خزر

خسرو قشقایی ۲۰۰

خلیج فارس ۱۱۳، ۱۸۳، ۲۲۰

خمہ (ایل) ۱۵۰

خنجی، لطف اللہ ۲۱

خوزستان (مناطق تحت خیز) ۱۳۳

خوشتار (نفت) ۸۲

دلیر (وزیر امور خارجہ حکومت ہندوستان)

۱۹۱، ۱۸۲

دادگاہ عدالت بین المللی ۸۹

دمکراتها ۱۰۸

دویرو میسلوف ۹۶

دولت آبادی (حاج میرزا یحیی) ۲۰

دیکن (ژنرال) ۵۲

و

رشت ۲۰، ۲۴، ۲۳، ۶۴، ۶۵، ۷۱، ۲۱۰، ۲۱۷،

۲۳۰

رشت (خرید تلگراف برای رشت) ۲۱۰

رضاخان (سردار سپہ ہندی) ۲۱، ۲۳۱

رضاشاہ ۲۰۰، ۲۶۳

روتستاین قودور ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۴،

۲۳۶، ۲۳۷

روزنامہ تایمز ۱۵۸

روزنامہ رعد ۳۳

روزنامہ ساندی پیکچریال ۲۵

روس (بناہندگان) ۱۱۲

روس (روسہای سفید سفید تہران) ۱۱۲

روسی (السران) در غالب صفحات

روسی (دو پزشک لشکر قزاق) ۹۶

روسی / روسہا ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۹۷، ۱۱۵، ۱۳۵، ۱۳۸،

۱۴۲، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۷۳، ۱۷۶،

۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۶۵،

روسی (کلیساہای روسی در تہران) ۱۱۵

روسی (مدلس روسی در تہران) ۱۱۵

روسہ / روسیہ تزاری ۲۹، ۳۱، ۳۱، ۳۲، ۳۱، ۸۱

۸۲، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۱۵،

۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۶۱،

۱۲۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۸۹، ۸۰، ۷۹، ۷۳، ۷۰  
 ۲۱۱، ۲۰۸، ۲۰۶، ۱۹۲، ۱۸۶، ۱۸۰، ۱۴۹  
 ۲۲۵، ۲۲۲، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۲

شمیران ۱۶۴، ۱۷۰

شوروی ۶۱-۶۴، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۱، ۸۲، ۸۱  
 ۱۰۰، ۱۱۴-۱۲۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴  
 ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۰، ۱۲۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۹  
 ۱۵۴، ۱۶۴

شوروی (سفارت در تهران) ۲۰۹، ۲۱۰

شوروی (عهدنامه دوستی ایران و شوروی / ۲۶  
 فوریه ۱۹۲۱)، ۲۳۰

شوره‌ها ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۳۵، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۸  
 ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۴  
 ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۸، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۰  
 ۲۱۷، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۷، ۲۵۶

شوشتر ۱۱۳، ۱۲۴

شیراز ۲۶، ۲۷، ۸۱، ۸۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۵  
 ۱۹۸، ۲۱۸

شیمی (مبلغان) ۱۰۵

## ص

صاحبه الدوله (سردار اسمعیل خان قشقایی) ۴۷  
 ۴۹، ۵۲، ۵۹، ۶۷، ۲۰۰، ۲۴۶

صنادید (مجموع) ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۱۱۰، ۱۱۸

## ض

ضیاء طباطبایی (سید) ۲۱، ۴۲، ۷۷، ۷۸، ۷۹  
 ۸۷، ۹۷، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۴۰، ۲۴۲  
 ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۳  
 ۲۶۴

## ط

طوماسیان (تجارتخانه) ۶۸

۲۰۹، ۲۰۳، ۱۸۵، ۱۷۸، ۱۷۶، ۱۶۵، ۱۶۲  
 ۲۴۱، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۱۷

روسید (سفارت تزاری مستقر در پاریس بنام  
 دولت مهاجر) ۱۵۴، ۱۷۲

رویترا (خبرگزاری) ۴۶، ۴۸، ۶۰، ۶۱، ۱۰۲، ۱۱۰

## ژ

ژاندارم (نیروی ژاندارم) ۵۰، ۷۸، ۸۸

## س

سالار لشکر (پسر فرمانفرما) ۲۳۳

سپه‌دار رشتی (فتح‌الله خان اکبر) ۱۷، ۱۹، ۲۳

۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۶

۴۸، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱

۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۹، ۸۴

۸۷، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۴

۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۶

۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۸

۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۸۵

۱۸۶، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰

۲۳۱، ۲۳۲

سردار معظم خراسانی — تیمورتاش

سردار همایون (قاسم خان والی) ۲۹، ۳۲

سرخس ۱۳۳

سنگاپور ۱۰۶

سوئدی (افران) ۵۰، ۷۸، ۲۳۰، ۲۵۰

سوئدها ۲۵۰

سید ضیاء‌الدین طباطبایی — ضیاء طباطبایی  
 (سید)

سیستان ۶۱، ۹۸، ۱۹۱، ۲۲۲

## ش

شاهون (ایل) ۶۷، ۱۰۸

شرکت نفت ایران و انگلیس ۲۳، ۲۵، ۲۵، ۴۰